

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام و عرض ادب خدمت استاد بزرگوار. در ابتدای امر برای همه آموزه‌های حضرتعالی خصوصا در حوزه زنان از شما سپاسگزارم و سوالاتی را در خصوص وقایع روز جامعه مطرح میکنم و امید به راهنمایی شما دارم. در دین مبین اسلام و در کتاب سراسر نور الهی، احکامی در خصوص زنان مطرح میشود و در مقابل، وقایعی با تدابیر برخی از نخبگان و مسئولان میانی جامعه اسلامی رخ میدهد که به نظر میرسد نیازمند بررسی و توجه بیشتر است. استاد محترم، در مسیر پیوند و بهره‌گیری جامعه از شرع مقدس و حرکت به سوی غایتی که رهبران ایران اسلامی برای دستیابی به آن جهاد کردند، گاهی با آسیب‌هایی مواجه می‌شویم که یا ناشی از افراط و تفریطاند و یا از غلبه نگاه مردانه بر حوزه‌های گوناگون حیات اجتماعی ناشی می‌شوند. با آنکه محوریت سرپرستی و مدیریت جامعه و خانواده با مرد است، این مدیریت به معنای نادیده گرفته شدن زنان در هیچ سطح و حوزه‌ای، حتی در مدیریت و اداره کشور نیست. البته باید اذعان داشت که پس از معصومین علیهم‌السلام، نگاه و عملکرد رهبران جامعه اسلامی ایران، جلوه‌ای برجسته از اهمیت و جایگاه زن در جامعه اسلامی را به نمایش گذاشته است. لیکن در رویه و عملکرد برخی مسئولان میانی، متولیان امور دینی، فرهنگی و حتی نظامی، نگاه مردانه به امور همچنان غالب است. زمانی که غایت احکام حاکم و مرتبط با خانواده به نیازهای زمینی مرد محدود می‌شود و خداوند را در حد خالق مردی زمینی محدود میکند، یکی از پیامدهای آن نادیده گرفتن ربوبیت پرودگار نسبت به انسان و از جمله مرد است و از عواقب مهم و اثرگذار آن نادیده گرفتن رابطه زن و پروردگار در مواجهه با این احکام الهی است. امری که می‌تواند نوعی از ظلم به زن را رقم بزند و توانمندی و قدرتمندی قلبی او را بکاهد. قدرتی که باید با جهاد درونی و خانوادگی زن کسب میشد با نگاه مردانه زن را از زنانگی دور می‌کند و مردانه تعریف میشود. چرا اگر قرار به تعریف قدرت است، باید مردان برای زنان قدرت را تعریف و در جامعه ساری و جاری کنند؟! اگر قدرت زن با نگاه غربی تعریف شود، چه از زبان دشمنان غربی باشد و چه از زبان برخی افراد با ظاهر دینی و رویکردی غرب‌گرایانه، آیا نتیجه آن جز غلبه و ترویج مردسالاری غربی خواهد بود؟ وقتی زن شبیه مردان در جامعه ظاهر میشود با هر نگاه و ادبیاتی که باشد و به هر هدفی، هرچند به ظاهر مقدس، آیا نتیجه‌ای جز غلبه جبهه کفر دارد؟! استاد محترم، گاهی به نظر میرسد در نگاه برخی از مسئولانی که از مبانی نورانی الهی فاصله گرفته‌اند، زن با شکل و شمایلی دیگر، بازهم ابزار است! زن مسلمان آشنا با تاریخ اسلام چگونه می‌تواند اقتدار و اقدامات حضرت رسول صلوات‌الله‌علیه در مقابله با فرهنگ نادرست غالب در جامعه را با وادادگی و گرایش برخی مسئولان و

متولیان فرهنگی امروز به الگوهای ناسازگار با جامعه اسلامی جمع کند، بی‌آنکه این دوگانگی به شک و تردید بینجامد؟ چگونه می‌تواند این دو واقعیت را در کنار یکدیگر بفهمد؟ آیا قدرت مادر حضرت موسی علیه‌السلام و یا قدرت فوق‌العاده حضرت مریم سلام‌الله‌علیها رنگ و بوی مردانه دارد؟ آیا قدرت حضرت زینب سلام‌الله‌علیها، با آن جد بزرگوار، با آن پدر، حیدر کرار، نامی که هنوز هم دشمن از بیانش هراسان است، با آن برادرانی که هر یک در شجاعت و قدرت سرآمد بودند و با آن علمدار کربلا (صلوات الله علیهم اجمعین) که هنوز هم ابهت و اقتدارشان برای هر قلبی ملموس و مشهود است، نمی‌توانست در تیزی شمشیر باشد؟ یادآوری نام عزیزان حضرت زینب سلام‌الله‌علیها برای مومن قدرت قلبی و برای دشمن رعب ایجاد میکند. برای چنین بزرگواری شمشیر به دست گرفتن سخت یا ناممکن بود؟ یا با طرح الهی سازگار نبود و با معنای بندگی ایشان تطابق نداشت که اینگونه رقم نخورد؟! حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در طرح الهی و در تبعیت از امامان خویش در خیمه ماند و واقعه کربلا را با تبیین، حیات بخشید ولیکن این ائمه بعدی بودند که تبیین ایشان را تا به امروز زنده نگه داشتند. آیا این در هم تنیدگی جمال و جلال الهی در سیره معصومین علیهم‌السلام را نمیرساند و برای زن امروز شاهی نیست که هر کسی در جایگاه خودش باید نقش آفرین باشد؟ اگر زن امروز بخواهد در جایگاه زنانه خود در هستی، در ذیل تدابیر صاحب‌الامر، بی‌من شود تا بتواند بخشی از طرح الهی باشد، باید به جلوه و توان زنانه حاضر شود یا متأثر از فرهنگ مردسالار غربی و یا بی‌مبنا و چشم و گوش بسته، دنباله رو طرح یهود باشد؟! اگر مصلح جهان حضرت بقیة‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هستند و جامعه را با ولایت تکوینی هدایت میکنند، زن با چه خصوصیتی در این طرح الهی، ارمغان آور پیروزی در جبهه حق خواهد شد؟ با کنشگری مردانه یا با حضوری زنانه و در نهایت با قدرتی زنانه؟! اگر قصور و نقص‌های ما مانع حضور در سپاه ظهور میشود، نباید به جای سوق دادن زن به سمت مردوارگی، آن عیوب و نقص‌ها دیده شود؟ استاد بزرگوار، در میان جمع زنانی که در جبهه حق حضور دارند، نباید اثرات مخرب عیوبی مانند حسادت و تکبر دیده شود تا برای درمان آن اقداماتی موثر صورت گیرد؟ آیا این عیوب مانع از جمع شدن حول محور امام نیست؟ ما قرار است به کجا برسیم و متولیان و مسئولان جامعه دارند ما را به کجا سوق میدهند؟! استاد بزرگوار از شما آموختیم که زن امروز برای کسب قدرت و داشتن آرامش و برای آنکه به سلامت به مقصد و مقصود برسد، راهی جز اتصال به قلب حضرت بقیة‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ندارد. لذا از شما خواهشمندم که ما را در یافتن مسیر درست و زدودن موانع راهنمایی بفرمایید. سپاسگزارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان‌که متوجه شده‌اید حقیقتاً اسلام عزیز انسانیت انسان‌ها را اعم از زن و مرد- مخاطب قرار داده و این مسئله بسیار مهمی است و این اتهام بزرگ که مسلمانان زن را در حاشیه برده‌اند، اتهام درستی است ولی چرا به پای اسلام گذاشته‌ایم؟! در حالی‌که حقیقتاً تاریخ ما گواه

است زنان در جایگاهی که جایگاه حقیقی آنان است بزرگ‌ترین نقش را داشته‌اند. علاوه بر کتاب «زن، آن‌گونه که باید باشد» سلسله مباحثی به صورت‌های مختلف در زمان‌های مختلف شده است که تحت عنوان: «زن در اسلام» در رابطه با شرایط تاریخی امروزمان در نسبت با «زن» شده است که در سایت لُب المیزان جمع‌آوری شده، خوب است سری به آن بزنید.

سخنان رهبر شهید سلسله مباحثی تحت عنوان: «راه سوم» را به میان آورده‌اند که خوب است به کانال مربوطه رجوع فرمایید. <https://eitaa.com/rahesevvom> کانال «بشنو از زن» تلاش زیادی در رابطه با حضور تاریخی «زن» در این رابطه داشته است. https://eitaa.com/ziafat_andishe موفق باشید